

هندسه قدرت متعالی

رویکرد فلسفی سیاسی دفاعی متعالی

علی رضا صدرا*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۲/۶

چکیده

دفاع یا صیانت از موجودیت، با دفع تهاجم و بلکه رفع تهدید صورت می‌پذیرد. یعنی لازمه‌ی حفاظت از کشور، بازدارندگی از تجاوز و وادارندگی به عقب‌نشینی و تضمین امنیت و ثبات و صلح است. اما از آنجایی که هرگونه دفاعی مرهون قدرت است؛ و به تعبیری قدرت و اقتدار ملی روح دفاع ملی و جان‌مایه‌ی آن است، دفاع و قدرت و امنیت را می‌توان به دو شکل متعالی یا متدانی مورد مطالعه قرار داد. قدرت متعالی، دفاع متعالی را ایجاد کرده و ایجاد می‌نماید. دفاع متعالی نیز قدرت و اقتدار مطالعاتی نظامی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی متعالی می‌طلبد. در این اثر به بن‌مایه‌ی دفاع متعالی و هندسه قدرت در مقیاس ملی می‌پردازیم. عنوان، موضوع، مساله و فرضیه‌ی اصلی مقاله: مراتب، وجوه و جهات سه‌گانه‌ی هندسه قدرت متعالی است که معادل مراتب، وجوه و جهات سه‌گانه‌ی هندسه‌ی دفاع متعالی بوده و بن‌مایه‌ی آن به‌شمار می‌آید. طبیعتاً ماهیت این بحث، حکمت و فلسفه‌ی سیاسی قدرت و امنیت و دفاع متعالی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی:

هندسه، قدرت، زور، متدانی، متعالی، مراتب، وجوه، جهات.

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره یازدهم
- زمستان ۹۴

هندسه قدرت
متعالی؛ رویکرد
فلسفی سیاسی
دفاعی متعالی
(۴۷ تا ۶۸)

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (Sadra@ut.ac.ir).

پیش‌درآمد

به تعبیر مولوی در مثنوی:

جنبش کف‌ها ز دریا روز و شب کف همی بینی و دریا نی عجب
به سبب این‌که:

چشم دریا دیگر است و کف دگر کف بهل رو دیده‌ی دریا نگر

این نیز به علت غلبه‌ی ظاهرنگری عمومی و به‌ویژه مدنی از جمله در عرصه‌ی: پدیده و پدیده‌شناسی یا علم و فن تولید، تجمیع، توزیع مجدد و مصرف قدرت سیاسی اعم از اقتصادی، اجتماعی (حقوقی، سازمانی، نظامی یا دفاعی، قضایی) و فرهنگی و بالاخص کسب، حفظ، ازدیاد و اعمال است. چرا که:

چشم حس هم‌چون کف دست است و بس نیست کف را بر همه‌ی او دست‌رس
این مبین دو نگاه، دو نظریه و دو نظام معرفتی و علمی متقابل است که به ترتیب
ذیل می‌باشند: یکی نگاه، نظریه و نظام معرفتی و علمی ظاهرنگری، حس‌گرایی و
ابزاری‌پنداری قدرت است که «قدرت ظاهری، حسی، جسمانی و ابزاری» و در نهایت،
ظنی و پنداری و گاه توهمی یعنی کاذب یا دروغین می‌باشد. دیگری نگاه، نظریه و نظام
معرفتی و علمی متعالی و فرا ابزاری، عقلی یا عقلانی و معنوی قدرت؛ و به‌عبارت بهتر
«قدرت معنوی و متعالی» است.

هندسه‌ی قدرت متعالی و به‌تعبیری هندسه‌ی متعالی قدرت اعم از: الف. قدرت اقتصادی،
(+) ب. قدرت اجتماعی (و سیاسی، دولتی و مردمی) و (-) ج. قدرت فرهنگی، معنوی و
(-) اخلاقی است. قدرت و دفاع متعالی، قدرت دو ساحتی است که فراگیر و فراهم‌آمده
ساحت متدانی اعم از قدرت و دفاع سخت و قدرت و دفاع نرم و دیگری ساحت معنوی و
متعالی قدرت و دفاع است. به‌تعبیر دیگر، قدرت و دفاع سخت (کمی، + توأمان با) قدرت
و دفاع نرم (کیفی، در نتیجه) قدرت و دفاع معنوی (جوهری و جهت) متعالی است. با
انقلاب بی‌بدیل اسلامی و در نگاه، نظریه و نظام سیاسی بدیع، نوین، الهام‌بخش و
اثربخش جمهوری اسلامی ایران؛ خدا، ایمان و مقدس یا متعالی و دیانت و مذهب در
نتیجت خلوص، ایثار (از خودگذشتگی و جانبازی) تا مرز شهادت‌طلبی، دوباره سربلند شد
و مشخصاً وارد زندگی سیاسی، گفتمان‌سازی و مناسبات قدرت سیاسی و حتی نظامی و
دفاعی گردید. اهم مواردی که قرن‌ها چنین پنداشته می‌شد که پایان یافته، و (به تعبیر نیچه)

۱. اعم از سخت یا نرم.

مرده و زدوده شده‌اند، و منفعت^۱ و لذت^۲ و ابزار^۳ جای آن‌ها را گرفته و خلأ آن را پر کرده است. بدین ترتیب، ساختار سیاست، قدرت و اقتدار، دفاع و امنیت، ساحت زیرساختی جدید و متعالی یافت؛ و آن، هندسه‌ی متعالی قدرت متعالی است که فرای ساحت متدانی قدرت یا قدرت متدانی است و خود اعم از بُعد سخت و حتی بُعد نرم قدرت می‌باشد. به تعبیری فراگیر ابعاد متعارف قدرت است که شامل قدرت سخت و قدرت نرم می‌باشد. بدین ترتیب قدرت متعالی و هندسه‌ی متعالی آن، به سبب جامعیت‌اش (یعنی رسایی و سازواری ذاتی و درون‌زادی خود)، کارآمدی خویش اعم از بهره‌وری و اثربخشی اعجاب‌آور تا آعجاز‌آمیز را نشان داد که در تمامی مراحل تاریخی سیر تحولات و حتی مراتب تکوینی ساختار نظام سیاسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران، چه در پدیداری و پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و در مرحله یا مرتبه‌ی گذار و تأسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، یعنی در روند نهادسازی و نظام‌سازی؛ چه در مرحله و مرتبه‌ی دفاع مقدس و تثبیت این نظام، و حتی در مرحله و مرتبه‌ی توسعه‌ی زیربنایی آن نمودار و نهادینه گشت؛ جملگی دارای پیام و نیز پیامدهای فراگستر و روزافزون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده و هستند. به‌ویژه ملهم و مسبب بیداری و خیزش انقلابی اسلامی در منطقه و جهان اسلام و در میان مسلمانان جهان و موجب و موجد دیگرگونی روابط و مناسبات قدرت و تحولات نظام سیاسی، به‌ویژه سلطه‌ی بین‌المللی و جهانی گردید.

مراتب، وجوه و جهات سه‌گانه‌ی هندسه‌ی قدرت متعالی؛ به مراتب سه‌گانه و به تعبیری وجوه سه‌گانه‌ی قدرت متعالی، یعنی مبادی قدرت، مبانی ماهوی و جوهری قدرت و مظاهر سخت و نرم قدرت می‌پردازد. هم‌چنین جهات دو یا سه‌گانه‌ی قدرت متعالی و متدانی و تک‌ساحتی و تنازعی را مورد نظر قرار می‌دهد. هم‌چنین بخش‌های سه‌گانه‌ی قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و قدرت فرهنگی، معنوی و اخلاقی؛ و حتی رابطه‌ی و نسبت میان‌بخشی قدرت و فرابخشی قدرت متعالی مطرح می‌شوند و نیز قدرت در گستره‌های فروملی، ملی داخلی و خارجی و فراملی و بین‌المللی تا جهانی طرح می‌گردند و در قالب نمودار نیز ترسیم می‌شوند و با علایم ریاضی، سعی در تنظیم فرمول گزاره‌های اصلی بحث می‌شود. این موارد، مباحث و نمودارها، زیرساخت راهبردی هندسه‌ی قدرت متعالی به‌شمار می‌آیند که در گذار از هندسه‌ی متدانی قدرت به هندسه‌ی قدرت متعالی؛ و مهندسی، مدیریت، آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

۱. یوتیلیتریزم.

۲. هدونیزم.

۳. تکنولوژی یا فناوری و تجهیزات.

با پدیداری و پیروزی پدیده‌ی بی‌بدیل انقلاب سیاسی اسلامی در ایران، بُعد دیگر و ساحت متعالی قدرت سیاسی نمودار گردید و هندسه‌ی سیاست و هندسه‌ی قدرت متعالی، به‌سان هندسه‌ی فضایی^۱، ایمانی، روحانی و معنوی پی‌ریخته شد؛ که گذار از هندسه‌ی حسی^۲ جسمانی، ظاهری، مادی و ابزاری قدرت به‌شمار می‌آمد که با پی‌ریزی و پویایی نظام سیاسی بدیع، نوبنیاد، نمونه و الهام‌بخش جمهوری اسلامی، کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی قدرت سیاسی متعالی نمودار گردید. قدرت متعالی و هندسه‌ی مهندسی آن به‌سان هندسه‌ی فضایی قدرت، فرای هندسه‌ی مسطحه‌ی قدرت، و به‌تعبیری حسی و جسمانی اعم از سخت و نرم ابزاری می‌باشد. پایداری و پیشرفت این نظام سیاسی با گذار از مراحل و بلکه مراتب سه‌گانه‌ی: تأسیس و نهادسازی، تثبیت و دفاع مقدس، بازسازی و توسعه‌ی زیربنایی، این رهیافت متعالی بازتاب منطقه‌ای در بیداری و خیزش انقلابی اسلامی یافته است و تأثیرات فرمانطقه‌ای، بین‌مللی و جهانی زیادی برجای گذاشته است. چه از حیث عملی و عینی بوده و حتی از حیث علمی و نظری باشد. این هندسه‌ی قدرت و سیاست متعالی در جمهوری اسلامی ایران هم‌اینک با توسعه‌ی متعالی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود در چشم‌انداز فراز آینده‌ی خود فرارو می‌باشد و با چالش ارتقای کارآمدی علمی و عملی خود مواجه است؛ لذا به‌منظور تبیین نظری و ترسیم عملی، راهبردی و کاربردی در جهت تحقق عینی، اجرایی و جاری توسعه‌ی متعالی الگوی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که با مهندسی، مدیریت و آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی راهبردی میسر می‌گردد. کارآمدی و توسعه‌ی متعالی که پیش‌درآمد تجدید و تأسیس تمدن نوین متعالی اسلامی بوده و خواهد بود.

نگارنده پیش‌تر ضمن یک نشست به‌عنوان پیش‌همایش هندسه‌ی قدرت، هندسه‌ی عقلی متعالی^۳ از جمله هندسه‌ی قدرت متعالی و گذار بدان از هندسه‌ی حسی و نامتعالی سخت و نرم کمی و کیفی را مطرح کرده است؛ این همان هندسه‌ی عقلی، ایمانی، روحانی و معنوی است. با تأکید بر کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی عجیب تا مرز اعجاز‌آمیز آن – که حتی برخی آن را فراتحلیل^۴ به‌معنای غیرقابل تحلیل عادی و متعارف فرامادی خوانده‌اند – به‌مثابه برترین جایگزین بهینه و بسامان هندسه‌ی نامتعالی یا متدانی قدرت و به‌ویژه هندسه‌ی قدرت متدانی می‌باشد که هندسه‌ی حسی، جسمانی و ابزاری و مادی خواه

1. Solid geometry.
2. Geometry sensory.
3. TRANSCENDENTAL GEOMETRY.
4. Meta-analysis.

بوده؛ کمی سخت و کیفی نرم به‌شمار آید. با تأکید بر ناکارآمدی و یا کارآمدی تک‌ساحتی و تنازعی (تعارض‌انگیز) آن، که برخی آغاز پایان تاریخ آن را اعلام کرده و می‌کنند؛ اصل گذر از هندسه‌ی حسی قدرت و از قدرت حسی - بر این اساس و در این راستا - مطرح می‌شود.

هم‌چنین در گزارش نگارنده تصریح شده است که پیدایی و پیروزی انقلاب اسلامی نقطه‌ی عطفی در گذار از سیاست و قدرت متدانی به سیاست و قدرت متعالی به‌شمار می‌آید. به‌ویژه با گشایش ساحت متعالی ایمان، معنویت و شهادت در عرصه‌ی سیاست و قدرت و حتی امنیت، و به‌مثابه جهت و جوهره‌ی متعالی و تعالی‌بخش امنیت، قدرت و سیاست می‌باشد. در گستره‌ی داخلی و خارجی ملی کشور ایران است که شخصیت‌هایی هم‌چون "میشل فوکو" فرانسوی، پدر و چهرگان شاخص پست‌مدرنیسم (رک: میشل فوکو، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟ و نیز ایران: روح یک جهان بی‌روح)؛ تدا اسکاچپول، نظریه‌پرداز انقلاب؛ اسپوزیتا، استاد روابط بین‌الملل؛ حامد الگار، روشن‌فکر مسلمان‌شده و برخی از متفکرین دیگر متوجه آن شده‌اند و نسبت به پیام و پیامدها و نیز بازتاب فراگستر آن پیش‌بینی نموده و هشدار می‌دادند و از همان آغاز و از بنیاد، نقطه‌ی عطف، مرحله‌ی تاریخی و حتی چه بسا مرتبه‌ی تحول مدنی و حتی تمدنی انگاشته می‌شد. چنان‌که اذعان گردید، طرح‌ها و دکترین‌های زیادی در مقام ضدحمله ضد انقلاب و نگاه، نظریه و نظام سیاسی جمهوری نوین، نوین، نمونه، الهام‌بخش و اثربخش جمهوری اسلامی در قالب تئوری سیاسی ارایه شده‌اند. از جامعه‌ی باز و دشمنان پوپری، موج سوم دموکراسی و برخورد تمدن‌های هانتینگتونی، لیبرال دموکراسی پایان تاریخی فوکویومایایی، امواج سه‌گانه‌ی تافلری، تا حتی قدرت نرم و جنگ نرم جوزف نای و... که چه‌بسا با پشتیبانی و درخواست مجامع اطلاعاتی غرب و به‌ویژه پنتاگون یعنی وزارت دفاع امریکا ترسیم و ترویج گشته و می‌گردند. دکترین‌هایی که در پی تحریف ذهنی و ایجاد انحراف عملی در سطح جهانی، به‌ویژه در منطقه‌ی فوق‌العاده راهبردی و حساس، خطیر و بلکه حیاتی جهان اسلام و در میان مسلمانان جهان و جهان مستضعفین می‌باشند. دکترین‌هایی که در مواجهه با هندسه و منطق و نیز حکمت و حرکت انقلابی سیاسی متعالی اسلامی به‌زودی یکی پس از دیگر ناکارآمدی خود را بروز داده و از حیز انتفاع نامشروع برای طراحان بازمانده و به‌حاشیه رانده شده و به فراموشی سپرده شدند.

در این مقاله، هندسه‌ی متعالی قدرت متعالی در گفتمان اخوان صفا و قرآنی، مورد اشاره‌ی گذرا قرار می‌گیرد. در ادامه به مراتب یا وجوه سه‌گانه‌ی هندسه‌ی متعالی قدرت یا هندسه‌ی مراتب سه‌گانه‌ی قدرت متعالی می‌پردازیم؛ چه مراتب وجودی عملی و عینی

قدرت متعالی و هندسه‌ی متعالی آن بوده یا مراتب سه‌گانه‌ی معرفتی و علمی و نظری آن باشند. یعنی یکی حقیقت، ماهیت و واقعیت هندسه‌ی متعالی قدرت و قدرت متعالی را بر می‌نمایانیم و به مبادی بنیادین و منابع حقیقی قدرت، مبانی ماهوی قدرت و مظاهر واقعی قدرت در هندسه‌ی متعالی قدرت متعالی می‌نگریم و گذار از ظاهر قدرت و قدرت ظاهری متدانی، در این هندسه و مهندسی آن را مورد توجه قرار می‌دهیم. آن‌گاه به راهبردهای سه‌گانه‌ی قدرت یقینی متعالی، روحانی، معنوی و فرا ابزاری، قدرت متدانی ظنی یا پنداری حسی، جسمانی، مادی، ابزاری و به‌ویژه سخت‌افزاری و قدرت توهمی یا کاذب متنازع یعنی تنازعی سلطه‌طلبانه و سیطره‌جویانه اشارتی خواهیم داشت. هم‌چنین گذر و گذار از پنداره‌ی قدرت و قدرت پنداری که در گفتمان قرآنی چون سراب قدرت‌نما بوده، مورد توجه قرار می‌دهیم: «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَ وَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فُوقَهُ حِسَابَهُ وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ * أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْهُ يَرَاهَا وَ مَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ»^۱ (نور، آیه‌ی ۳۹ و ۴۰). چرا که: «تَمَثَّلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَ إِنَّا أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتِ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۲ (عنکبوت، آیه‌ی ۴۱).

درآمد

حس دنیا نردبان این جهان حس دینی نردبان آسمان

۱. ترجمه: و کسانی که کفر ورزیدند، کارهایشان چون سرابی در زمینی هموار است که تشنه، آن را آبی می‌پندارد، تا چون بدان رسد، آن را چیزی نیابد و خدا را نزد خویش یابد و حسابش را تمام به او دهد و خدا زود شمار است * یا (کارهایشان) مانند تاریکی‌هایی است که در دریایی ژرف است که موجی آن را می‌پوشاند (و) روی آن موجی (دیگر) است (و) بالای آن ابری است. تاریکی‌هایی است که بعضی بر روی بعضی قرار گرفته است. هر گاه (غرقه) دستش را بیرون آورد، به زحمت آن را می‌بیند، و خدا به هر کنوری نداده باشد او را هیچ نوری نخواهد بود». نیز گذر و گذار از قدرت تنازعی توهمی و کاذب و توهم قدرت دروغین را که در گفتمان قرآنی چون تار عنکبوتی، سست بنیاد وی باشد، مورد تأکید قرار می‌دهیم.

۲. ترجمه: داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند، همچون عنکبوت است که (با آب دهان خود) خانه‌ای برای خویش ساخته، و در حقیقت -اگر می‌دانستند- سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است.

صحت این حس بجوید از طیب صحت آن حس بجوید از حیب^۱

هندسه‌ی قدرت در بادی امر و صورت ظاهری، بحثی صوری و حتی گاه استعاری به‌نظر می‌رسد. در این صورت مراد، مناسبات و گونه‌ی نظام سیاسی منطقه‌ای و جهانی است که بیش‌تر در روابط بین‌الملل مطرح می‌شود و منظور تأثیر در معادلات و مناسبات سیاسی قدرت‌ها و دولت‌ها است؛ به‌ویژه نقش بازیگران جدی و جدیدی چون نظام سیاسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران و جبهه‌ی مقاومت اسلامی در این مناسبات، روابط، ساختار و نظام سیاسی و قدرت و ترتیبات امنیتی؛ چه نقشی که در گستره‌ی منطقه‌ای - به‌خصوص خاورمیانه و یا غرب آسیا - بوده که البته نقش تأثیرگذار و حتی تعیین‌کننده، حساس، خطیر تا حیاتی در امنیت و ثبات نظام بین‌المللی و جهانی ایفا می‌نماید؛ و چه نقشی که در گستره‌ی فرامنطقه‌ای، جهان اسلام و مسلمانان جهان و ملت‌ها و دولت‌های تحت سلطه و سلطه‌ستیز دارد. ولی این واقعیت ظاهری و ظاهر قدرت است؛ بعداً خواهیم دید قدرت دارای مراتب و وجوه سه‌گانه‌ی وجودی و معرفتی است که اعم از شالوده‌ها یا خاستگاه یعنی مبادی و حقیقت قدرت و نقش قدرت حقیقی، جایگاه و مبانی یا ماهیت قدرت و نقش قدرت ماهوی و شاخصه‌های عینی و مظاهر قدرت یا نقش عملی قدرت تحقیقی می‌باشد. به‌تعبیری از حقیقت قدرت، ماهیت قدرت و واقعیت قدرت می‌باشند. به اعتباری فراگیر و فراهم‌آمده قدرت حقیقی بنیادین، قدرت ماهوی و بنیانی و قدرت واقعی ظاهری به‌شمار می‌آیند. کما این که ماهیت قدرت و قدرت ماهوی اعم از قدرت یقینی، قدرت ظنی یا قدرت پنداری بوده و نیز قدرت توهمی یعنی کاذب یا دروغین می‌باشد که توهم قدرت است. قدرت ظنی یا پنداری قدرت، قدرت تک‌ساحتی صرفاً مادی و ابزاری بوده که اعم از سخت‌افزاری یا قدرت سخت و نرم‌افزاری و قدرت نرم است. کما این که توهم قدرت یا قدرت توهمی یعنی قدرت کاذب یا دروغین بوده که زور و زورمندی است. این رهیافت به مسبب زورمداری نوعاً به زورگویی و سلطه و سیطره‌طلبی تنازع بقایی داروینیستی و نیروی تنازعی تا امپریالیسم از جهان‌گستری (مدینه کرامیه در حکمت مدنی فارابی)، تا جهان‌گیری (مدینه تغلیبه) و جهان‌خواری (مدینه جماعیه) کشیده و می‌کشاند (رک: فارابی، سیاست مدینه و نیز اندیشه‌های اهل مدینه فاضله).

قدرت سیاسی مادی و ظاهری ابزاری و سیاست قدرت ابزاری و ظاهری مادی بدین ترتیب از نگاه انسان گرگ انسانی هابس در اَبسولوتیسم او در دوران مدرن در گفت‌وگوهای سیاسی و حتی علمی سیاسی، تجدید و تقویت و تنویر گردید. بعدها با نگاه تنازع

۱. مولوی، مثنوی معنوی.

بقایای داروینیسیم سیاسی نهادینه شده و گسترش یافت. آن گاه در استعمارگرایی قدیم (سلطه) و جدید (نفوذ) و امپریالیسم یا استکبار جهانی بازتاب پیدا کرد. این فرآیند با سیاست قدرت مورگنتا (رک: سیاست میان ملت‌ها) تحت عنوان شبه‌ناک واقعیت‌نگری در مقابل اخلاق و آرمان ارزش‌گرایی که از آن تعبیر به خیال‌گرایی می‌گردد، وارد اصول مبانی روابط بین‌الملل گردید. برخورد تمدن‌های ساموئیل هانتینگتون (رک: برخورد تمدن‌ها)، بازتولید تمدنی همین نگاه تنازعی زور و قدرت مادی و طبیعی است. نظامی‌گرایی (میلیتاریسم)، یکه‌تازی و اشغال‌گری و تهدیدات به‌ویژه نومحافظه‌کاری غربی و امریکایی و نظام نوین جهانی ادعایی آن‌ها، ریشه در این دارد. این جریان را در تداوم خویش، امروزه از آن تعبیر به جهانی‌سازی^۱ که گونه‌ای غربی‌سازی، امریکایی‌سازی، بازاری‌سازی و اقتصادی‌سازی تنازعی داروینستی پس‌اصنعتی نواستکباری است؛ و در گستره‌ی فرآیند فنی و ارتباطاتی جهانی‌شدن اقتصاد^۲ می‌باشد و به‌جای جهانی‌گرایی^۳ مدنی و فرهنگی، معنوی و اخلاقی متعالی مورد نظر جمهوری اسلامی می‌باشد (رک: استیگلیتز، جهانی‌سازی و مسایل آن).

در این سیر و ساختار ملی، منطقه‌ای و جهانی، مظاهر قدرت و قدرت‌ظاهری اعم از سخت و نرم، یکی از مراتب سه‌گانه و به تعبیری یکی از وجوه سه‌گانه‌ی قدرت بوده و مورد اخیر، یعنی سومین مرتبه و وجه از مراتب و وجوه سه‌گانه قدرت می‌باشد. اهم شاخصه‌ها و مظاهر قدرت و نمودهای قدرت‌ظاهری که عارضی بوده و عوارض نه‌گانه می‌باشند، که غیر از اصل جوهره و نیز حقیقت قدرت است. در گفت‌وگو حکمت اسلامی جملگی را مقولات قدرت می‌نامند. عوارض و مظاهر قدرت سخت و نرم متعارف یا قدرت متدانی، و به تعبیری شاخص یا شاخصه‌های متدانی کمی و کیفی یا سخت و نرم قدرت، به ترتیب ذیلند:

فراگیر و شامل:

۱. کمیت قدرت و قدرت کمی یا شاخصه کمی و کمیت قدرت (: قدرت سخت و سخت‌افزاری)؛
۲. کیفیت قدرت و قدرت کیفی یا شاخصه کیفی و کیفیت قدرت (: قدرت نرم و نرم‌افزاری)؛

-
1. Globalization.
 2. Globality.
 3. Globalism.

۳. شاخصه‌ی زمانی و زمان قدرت و کسب و حفظ و نیز اعمال و ازدیاد آن یا مشارکت در آن؛

۴. شاخصه‌ی مکانی و مکان بروز قدرت؛

۵ و ۶. شاخصه‌های دوگانه و زوج کنش و واکنش یا تأثیر و تأثر، و به اصطلاح، فعل و انفعال قدرت؛

۷. وضعیت قدرت یا موقعیت (و نقش و آثار یا پیام و پیامدهای قدرت)

۸. رابطه یا روابط قدرت؛

۹. نسبت یا مناسبات قدرت.

ماهیت یا مبانی این قدرت (: جوهره‌ی قدرت و قدرت جوهری) و حتی حقیقت یعنی مبادی بنیادین و غایی قدرت (: جهت و ارزش قدرت و قدرت ارزشی) است که قدرت متعالی و تعالی قدرت است. این‌ها فرا افزاری‌اند؛ یعنی هم فرا قدرت سخت و سخت‌افزاری و غیر کمی بوده و حتی فرا قدرت نرم و نرم‌افزاری کیفی می‌باشند. که هر دوی قدرت سخت و قدرت نرم بدین ترتیب قدرت حسی بوده و قدرت معنوی و متعالی نمی‌باشند. این چنین بحی فرای دانش (ساینس) و فن عملی و عینی قدرت و نمودشناسی آن، به بودشناسی و بنیاد و غایت‌شناسی آن می‌پردازد؛ که عبارت از حکمت و فلسفه‌ی قدرت می‌باشد. حکمت و دانش قدرت، علم (به معنای اعم) قدرت را تشکیل می‌دهند که عبارت از نمود و نمودشناسی قدرت، بود و بودشناسی قدرت و بنیاد و غایت و نیز بنیاد و غایت‌شناسی قدرت است. در این صورت، چه بگوییم علم قدرت سیاسی یا علم سیاسی قدرت، اجمالاً تفاوتی ندارد. کما این که چه بگوییم قدرت سیاسی یا سیاست قدرت، مراد قدرت سیاسی متعالی و قدرت متعالی سیاسی بوده یا منظور سیاست متعالی قدرت و سیاست قدرت متعالی است.

الف. هندسه‌ی قدرت متعالی

میل جان اندر ترقی و شرف میل تن در کسب اسباب و علف^۱

هندسه‌ی متعالی قدرت یا هندسه‌ی قدرت متعالی فرای هندسه‌ی متدانی یا متعارف قدرت یا هندسه‌ی متدانی یا متعارف قدرت تحت عنوان هندسه‌ی عقلی فرای هندسه‌ی حسی می‌باشد. این هندسه‌ها در گفتمان اخوان صفا و ضمن مجموعه‌ی رسایل پنجاه‌ویک‌گانه‌ی آن‌ها، به‌ویژه در رساله‌ی ریاضی آنان - که دومین رساله می‌باشد - مطرح گردیده است.

۱. مولوی، مثنوی معنوی.

موردی که می‌توان با استناد گفتمان قرآنی و روایی و نیز در گفتمان حکمت مدنی خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری، هم به تبیین نظری و تفصیل راهبردی آن پرداخته و هم‌چنین به توجیه عملی کاربردی و تطبیق عینی اجرایی و جاری و نیز جدید آن پرداخت.

اول. اخوان صفا در فصلی مستقل تحت عنوان «فصل فی الهندسه العقلیه» (الرسائل، ج ۱، ص ۱۰۱) به مبحث «هندسه‌ی عقلی» پرداخته است. درست پس از فصل پیشین تحت عنوان «فصل فی الحاجه الانسان الی التعاون» (همان، صص ۹۹-۱۰۰) یا «تياز انسان به همکاری» است که در آن «بتدبیر السياسات» (همان، ص ۱۰۰) و «حکمه و سیاسه» (همان) تأکید می‌ورزند و در این زمینه تصریح می‌نمایند: «و اذ قد ذکرنا طرفا من الهندسه الحسیه شبه المدخل و المقدمات، فترید ان نذکر طرفا من الهندسه العقلیه» (همان: ۱۰۱)؛ «بعد از بیان مقداری از هندسه‌ی حسی در حد شبه مدخل و مقدمات، می‌خواهیم به یادآوری مقداری از هندسه‌ی عقلی بپردازیم» زیرا «اذ کانت هی احد اغراض الحکماء الراسخین فی العلوم الالهیه، المتراضین بالریاضیات الفلسفیه»؛ این یکی از «اغراض حکمای صاحب نظریه در علوم الهی بوده که برجستگان فرهیخته فرزانه می‌باشند». «و ذلک ان غرضهم فی تقدیم الهندسه بعد علم العدد هو تخریج المتعلمین من المحسوسات الی المعقولات و ترقیهم لتلامیذهم و اولادهم من الامور الجسمانیه الی الامور الروحانیه» (همان)؛ «غرض آن‌ها از مقدم داشتن هندسه (علم اشکال و احجام) بعد از حساب (علم اعداد)، گذار دانش‌آموختگان از محسوسات به سوی معقولات بوده و مراد ارتقای شاگردان و فرزندان‌شان از امور جسمانی به امور روحانی» که همان تعالی و متعالی و تعالی‌بخشی است. چنان‌که در ادامه تصریح می‌نمایند: «فأعلم یا اخی، ایدک الله و ایانا بروح منه، ان النظر فی الهندسه الحسیه؛ یؤدی الی الحدق فی الصنایع العملیه کلها» (همان)؛ «بدان ای برادر! که خدا تو را و ما را به روح خود، ما را کمک کند که نظر در هندسه‌ی حسی به مهارت در کلیه‌ی صنایع عملی می‌رساند». «و النظر فی الهندسه العقلیه، یؤدی الی الحدق فی الصنایع العلمیه» (همان)؛ «و نظر در هندسه‌ی عقلی منجر به مهارت در صنایع علمی و علوم می‌گردد». «لأن هذا العلم هو احد الابواب التي تُؤدی الی معرفه جوهر النفس التي هی جذر العلوم و عنصر الحکمه، و اصل الصنایع العلمیه و العملیه جمیعاً، اعنی معرفه جوهر النفس، فاعلم جمیع ما قلنا» (همان)؛ «زیرا این علم یکی از ابواب و تنها بایی بوده که به معرفت جوهر نفس می‌رساند که خود جذر (عصاره) علوم و عنصر حکمت و اصل جمیع صنایع علمی و عملی، یعنی معرفت جوهر نفس است. پس جملگی آن‌چه را می‌گوییم دریاب». نفس و یا روح و روحانیت انسانی که شناختن و ساختن آن منبع اعم از منشأ علمی و نظری و مبدأ عملی و عینی تعالی بوده، از جمله مسبب اصلی قدرت متعالی است. آن‌گاه در دو فصل بعد باز طی فصلی مستقل تأکید می‌نمایند: «فصل فی حقیقه الابعاد فی الهندسه العقلیه» (همان، صص ۴ - ۱۰۳) «فصل در حقیقت ابعاد در هندسه‌ی عقلی» که فرای طول و

عرض، شامل ارتفاع به معنای ارتقای معنایی و معنوی یعنی متعالی می‌باشند. سرانجام در فصل پایانی رساله‌ی دوم تحت عنوان «فصل فی الثمره هذا الفن» (همان، ص ۱۱۳) ثمره‌ی این فن یعنی هندسه از جمله هندسه‌ی حسی جسمانی متدانی کمتی یا سخت و حداکثر کیفی یا نرم و به‌ویژه هندسه‌ی عقلی روحانی معنوی و متعالی جوهری تبیین می‌نمایند: «و اعلم بان النظر فی العلم (و الفن) الهندسه الحسیه یعین علی الحدق فی الصنایع» (همان) «و بدان که نظر در علم هندسه‌ی حسی به حذاقت در صنایع کمک می‌کند». «و النظر فی (العلم و الفن) الهندسه العقلیه و معرفه خواص العدد و الاشکال، یعین علی فهم کیفیه تأثیرات الاشخاص الفلکیه و اصوات الموسیقی فی النفوس المستمعین» (همان)؛ «و نظر در هندسه‌ی عقلی و معرفت خواص عدد و اشکال کمک می‌کند به فهم کیفیت اشخاص فلکی (مراد مجردات، ملایک یا فرشتگان و مدبران امور و مبادی جهان) و اصوات موسیقی (آهنگ نظام هستی و ملکوت ملک جهان) در نفوس گوش‌کنندگان» و موجب و موجد نگرش و گرایش به متعالی و سبب و مسبب تعالی‌نگری و تعالی‌گرایی از جمله در سیاست متعالی و قدرت متعالی و حتی در امنیت متعالی است. کما این که «و النظر فی کیفیات تأثیرات الحس فی منفعلاتها یعین علی فهم کیفیه تأثیرات النفوس المفارقه فی النفوس المتجسده فی العالم الکون و الفساد» (همان)؛ «و نظر در چگونگی تأثیرات حس در منفعلات آنها کمک می‌کند به فهم چگونگی تأثیرات نفوس مفارق (از نفس در بدن تا ملک در ملک و تا دولت در مملکت) در نفوس متجسد در عالم کون و فساد». «و فی العلم الهندسه العقلیه للناظرین طریق الی الوصول الی معرفتها بعون الله و هدیته» (همان)؛ «و در علم هندسه‌ی عقلی برای ناظرین طریقی به‌سوی وصول به معرفت متعالی به یاری خدایی و هدایت و راهبرد، راهنمایی و راهبری او وجود دارد». این هندسه‌ی عقلی قدرت روحانی و ایمانی متعالی جوهری یقینی و حقیقی است که فرای هندسه‌ی حسی قدرت مادی و ابزاری جسمانی نامتعالی یا متدانی اعم از ظنی ظاهری یا پنداری تا توهمی کاذب یا دروغین کمتی و کیفی است.

دوم. در گفتمان قرآنی، دو قدرت متدانی و متعالی را رو در روی هم به تصویر کشانیده و هندسه‌ی آنها را تبیین علمی کرده و ترسیم عملی، راهبردی و کاربردی می‌نماید تا با این رهیافت راهبردی و راهبرد که در سیر و ساختار سراسری متن و محتوای قرآن و در شراشر آن منتشر بوده، به مهندسی قدرت متعالی، مدیریت قدرت متعالی و سلامت یعنی سالم‌سازی قدرت متعالی اعم از آسیب‌شناسی^۱ و آسیب‌زدایی^۲ آن پرداخته

۱. پاتولوژی.

۲. ایمنولوژی.

شود. به‌ویژه که هندسه و قدرت و نیز سیاست و امنیت متعالی که ایمان و امان بوده و فرای آسایش جسمانی و بدنی و آرامش روحانی و معنوی، برترین گزینه‌ی بهینه و بسامان‌رسا و سازوار کارآمد، بهره‌ور و اثربخش به‌جای هندسه و قدرت و نیز سیاست و امنیت متدانی است. چه هندسه و قدرت و نیز سیاست و امنیت کمی و سخت بوده و حتی هندسه و قدرت و نیز سیاست و امنیت کیفی و نرم باشد. به‌همین مناسبت برای نمونه در قرآن با بیان این‌که:

(الف)

۱. «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ» (انفال، آیه‌ی ۵۹)؛ «و زنه‌ار كسانى كه كافر شده‌اند گمان نکنند كه پیشى جسته‌اند، زیرا آنان نمی‌توانند (ما را) درمانده کنند». در رویارویی قدرت کفر و ایمان و متدانی و متعالی، قدرت متدانی از پس قدرت متعالی بر نیامده و جز برخی آزارها و خلل و ممانعت‌ها از اثرگذاری تعیین‌کننده عاجز است.

۲. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال، آیه‌ی ۶۰)؛ «و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این (تدارکات)، دشمن خدا و دشمن خودتان و (دشمنان) دیگری را جز ایشان – که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد – بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت». به‌همین سبب فراهمی ابزار قدرت سخت و نرم، اما با دید متعالی که «ترهبون» نه به‌معنای ترسانیدن («ترعبون») بلکه بازدارندگی از تهدید و تجاوز می‌باشد.

۳. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال، آیه‌ی ۶۱)؛ «و اگر به صلح گراییدند، تو (نیز) بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست». در این رابطه نیز تقدم یعنی اولویت و اولیت و نه اصالت با سلم و مذاکره است، و نه با جنگ و نزاع قدرت و زور آوری. بدین ترتیب در هندسه‌ی متعالی قدرت متعالی، اصالت با حق، عدالت و امنیت و دفاع و حفظ موجودیت مسلمین و نظام و دولت اسلامی است.

۴. «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوا أَنْ يُخْدَعُوا كَيْفَ حَسِبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أُيِّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال، آیه‌ی ۶۲)؛ «و اگر بخواهند تو را بفریبند، (یاری) خدا برای تو بس است. همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید». این به‌معنای عدم مواظبت بر خدعه و فریب و جنگ روانی و حتی جنگ نرم دشمنان نمی‌باشد، بلکه تأکید بر عدم خدعه و فریب و نهی از پیمان‌شکنی جبهه‌ی حق در قدرت، امنیت و دفاع متعالی است.

۵. «وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال، آیه ۶۳)؛ «و میان دل‌های‌شان اُلفت انداخت، که اگر آن‌چه در روی زمین است، همه را خرج می‌کردی، نمی‌توانستی میان دل‌های‌شان اُلفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان اُلفت انداخت؛ چراکه او توانای حکیم است». هم‌گرایی یا همبستگی دینی مدنی خدایی، روح و منشأ نگرش و مبدأ گرایش اصلی قدرت و قدرت اصلی در هندسه‌ی متعالی قدرت متعالی است.

(ب)

اول. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال، آیه ۶۴)؛ «ای پیامبر! خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو تو را بس است». در حساب و ریاضیات متعالی قدرت، خدا و ایمان بخدا و تبعیت مؤمنین از راهبری خدایی، تنها منبع و مولد نیرو در هندسه قدرت متعالی می‌باشد.

دوم. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ!

الف.

حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ؛

۱. إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ؛ الف. عِشْرُونَ (+) صَابِرُونَ (-) ب. يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ

۲. إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ؛ الف. مِائَةٌ ب. يَغْلِبُوا أَلْفًا

ب.

۱. مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا (→)

۲. بَانْتِهِمْ قَوْمٌ؛ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال، آیه ۶۵)؛

«ای پیامبر! مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از (میان) شما بیست تن شکیبیا باشند، بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یک‌صد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند؛ چراکه آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند».

این آیه، مبین ریاضیات^۱ قدرت متعالی و متضمن کارآیی، بهره‌وری و اثربخشی ۱۰ برابری یا هزار درصدی نیروهای جبهه‌ی قدرت متعالی است که فرای تصاعد حسابی (دو برابری) و حتی تصاعد هندسی (به توان دو) است. موردی که نه تنها اعجاب‌انگیز بوده، بلکه اعجاز‌آمیز است؛ زیرا کارآیی در بهترین گزینه با غالباً و بلکه نوعاً کم‌تر از ۱۰۰٪ می‌باشد. ممکن است اشارت به مراد کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی ۱۰ برابری نهادی و نهادهای

1. Mathematics.

قدرت متعالی نیز بوده باشد. به سبب این که بر تعدد و پیروزی گروهی با تعداد ۲۰ نفره‌ی قدرت متعالی بر گروه ۲۰۰ نفره‌ی قدرت متدانی، و پیروزی گروه مدنی قدرت متعالی ۲۰۰ نفره بر ۲۰۰۰ نفر یا گروه ۲۰۰ نفره، به سان مشتمت که متشکل از پنج انگشت بوده ولی بر پنج و حتی ده انگشت باز غالب می‌آید. صبر و پایداری شرط اصلی این نامعادله‌ی غلبه‌ی قدرت متعالی بر قدرت نامتعالی است. موردی که با تحلیل‌های عادی و مادی و ریاضیات حسی و جسمانی کمی «لا یفقهون» قابل فهم و درک نیست و به اصطلاح فراتحلیل، یعنی غیرقابل تحلیل این چنینی است.

سوم.

الف.

۱. الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ

۲. عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا؛

ب.

۱. فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ

۲. إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ؛ الْف. الْف. الْف. ب. يَغْلِبُوا الْفَيْنِ

ج.

۱. يَا ذَنُ اللَّهِ وَ

۲. اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، آیه‌ی ۶۶)؛

«اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست. پس اگر از (میان) شما یک صد تن شکیبیا باشند بر دویست تن پیروز گردند، و اگر از شما هزار تن باشند، به توفیق الهی بر دوهزار تن غلبه کنند، و خدا با شکیبایان است.» در صورت ضعف در پایداری و ایمان و در نتیجه کاستی قدرت متعالی، باز کارآیی نیروها و کارآمدی نهادهای قدرت متعالی دو برابر یا ۲۰۰٪ قدرت متدانی و نیروها و نهادهای مربوطه می‌باشد.

چهارم.

۱.

الف. «مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُفْتَنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَ

ب. اللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال، آیه‌ی ۶۷)؛ «هیچ پیامبری را سزاوار نیست

که (برای اخذ سرب‌ها از دشمنان) اسیرانی بگیرد، تا در زمین به طور کامل از آنان کشتار کند. شما متاع دنیا را می‌خواهید و خدا آخرت را می‌خواهد و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است.» خشم و خشونت متعارف به سان هدف غایی اسارت و کشتار در قدرت‌های متدانی

و در هندسه‌ی زور ابزاری آن، از تراز و دامن قدرت متعالی نبوی و در هندسه‌ی خدایی آن نفی و نهی شده و زدوده گشته و می‌گردد.

۲. «لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (انفال، آیه‌ی ۶۸)؛ «اگر در آنچه گرفته‌اید، از جانب خدا نوشته‌ای نبود، قطعاً به شما عذابی بزرگ می‌رسید».

* دوم. کما این که پیش‌تر نیز در سوره‌ی بقره در جریان جدال طالوت و جالوت خدای متعال تصریح می‌نمایند:

۱. «لَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ (طالوت) قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ: كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذَنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره، آیه‌ی ۲۴۹)؛ «و چون طالوت با لشکریان (خود) بیرون شد، گفت: خداوند شما را به وسیله‌ی رودخانه‌ای خواهد آزمود. پس هر کس از آن بنوشد از (پیروان) من نیست و هر کس از آن نخورد، قطعاً او از (پیروان) من است، مگر کسی که با دست‌اش کفی برگیرد. پس (همگی) جز اندکی از آن‌ها، از آن نوشیدند و هنگامی که (طالوت) با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن (نهر) گذشتند، گفتند «امروز ما را یارای (مقابله با) جالوت و سپاهیان‌اش نیست». کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است». اذن خدایی یعنی قضای تکوینی و ایمان و پایداری رمز قدرت متعالی و غلبه‌ی تعداد و گروه کوچک بر تعداد و گروه بزرگ می‌باشد. علاوه بر این همراهی، مساعدت و نصرت خدایی نیز در این راستا باعث افزایش قدرت متعالی و ارتقای کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی آن خواهد شد.

۲. «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره، آیه‌ی ۲۵۰)؛ «و هنگامی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبه‌رو شدند، گفتند: پروردگارا، بر (دل‌های) ما شکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای». مبین و متضمن ریزش پایداری، ثبات اقدام و پیروزی قدرت متعالی و نیروها و نهادهای مربوطه بر قدرت متدانی و نیروها و نهادهای آن می‌باشد. به تعبیری دیگر، این پیروزی قدرت متعالی بر قدرت متدانی با ریزش پایداری روحی و ایستادگی عملی، تحقق عینی یافته و می‌یابد.

۳. «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَا تَدْفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره، آیه‌ی ۲۵۱)؛ «پس آنان را به اذن خدا شکست دادند و داوود، جالوت را کشت و خداوند به او

پادشاهی و حکمت ارزانی داشت و از آنچه می‌خواست به او آموخت و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله‌ی برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید؛ ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضّل دارد».

۴. «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْتَلُوها عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (بقره، آیه‌ی ۲۵۲)؛ «این (ها) آیات خداست که ما آن را به حق بر تو می‌خوانیم و به راستی تو از جمله پیامبرانی». این تعارضات و غلبه‌ی قدرت متعالی بر قدرت متدانی، سنت تحول‌ناپذیر تکوینی بوده که با رعایت حدود خدایی تحصیل گشته و تحقق می‌پذیرد.

ب. مراتب سه‌گانه‌ی هندسه قدرت متعالی

کو همان‌جا که صفات رحمت است قدرت است و نزهت است و فطنت است^۱ (اول) همان‌گونه که هندسه‌ی عقلی متعالی توسط اخوان صفا و در رسایل آن‌ها مطرح گردیده، مراتب سه‌گانه‌ی وجودی و معرفتی قدرت متعالی و در حقیقت و مبادی، در ماهیت و مبانی و در واقعیت و مظاهر، مراتب سه‌گانه‌ی هندسه‌ی متعالی قدرت متعالی در حکمت متعالی صدرایی تبیین شده و به‌ویژه در بخش دینی مدنی کتاب و نظریه‌ی شواهد ربوبیت و نیز کتاب و نظریه‌ی مبداء و معاد وی ارایه گردیده است. چنان‌که برای نمونه در تعبیر ملاصدرا در مبداء و معاد: «آنچه در عقل انسانی حاصل شود، موافق است با آنچه در عالم خارج از خیال و عقل انسان موجود است» (ملاصدرا، ۱۳۶۲، ص ۵۵۴). و به این مناسبت: «بعضی از این وجودات عقلی است و بعضی مثالی و بعضی حسی» (همان). پس «بود وجود عقل، پس نفس و پس حس، پس جسم و پس دور نمود وجود بر خودش، پس گردید حس، پس نفس، پس عقل، پس بالا رفت به‌جایی که فرود آمده بود از آن، و الله هو المبدأ و الغایه» (همان). که همان مراتب سه‌گانه می‌باشند و به‌همین سبب در الشواهد الربوبیه تأکید می‌نمایند: «گوهر نبوت گویی مجمع انوار عقلیه و نفسیه و حسیه است» (ملاصدرا، ۱۳۷۵، ص ۴۷۴) که قابل جمع می‌باشند.

مراتب یا وجوه سه‌گانه‌ی قدرت متعالی در هندسه‌ی متعالی اعم از اهم موارد ذیل است: الف یا اول، «حقیقت قدرت»: چرایی یا هستی و هستی‌شناسی یعنی مبادی قدرت متعالی؛

(+) ب یا دوم، «ماهیت قدرت»: چیستی یا چیستی‌شناسی یعنی مبانی قدرت متعالی؛

۱. مولوی، مثنوی معنوی.

(←) ج و سوم، «واقعیت قدرت»: چگونگی یا چگونگی‌شناسی یعنی مظاهر یا عوارض (نه گانه‌ی کتمی، کیفی، ...) قدرت متعالی.

هندسه‌ی متدانی قدرت و در قدرت متدانی به‌سان هندسه‌ی مسطحه^۱ که به عوارض کمی یا سخت قدرت یعنی به قدرت سخت و حتی سخت‌افزاری^۲ قدرت بسنده می‌کند و حداکثر عوارض کیفی قدرت، یعنی جهات نرم قدرت یا قدرت نرم و نرم‌افزاری^۳ قدرت می‌پردازد. در هندسه‌ی متعالی قدرت و در هندسه‌ی قدرت متعالی به‌سان هندسه‌ی فضایی، فرای جهات عارضی قدرت سخت و نرم قدرت، به جهات متعالی قدرت، یعنی جهات ایمانی، روحانی و معنوی قدرت نیز می‌پردازد که عبارت و اعم از اهم مراتب بنیانی و بنیادین قدرت یا مرتبه‌ی مبانی ماهوی و نیز مبادی حقیقی قدرت نیز توجه می‌گردد. به تعبیری در هندسه‌ی متعالی قدرت متعالی، فرای واقعیت و مظاهر قدرت و قدرت ظاهری حسی، جسمانی و ابزاری کتمی و حداکثر کیفی، از حیث علمی و عملی به ماهیت یا مبانی ماهوی قدرت و مبادی بنیادین و غایی قدرت توجه و تأکید داشته و می‌پردازد.

در الشواهد الربوبیه صدرا آمده است:

«چون سیاست از شریعت پیروی و اطاعت کرد حال انسان در این هنگام، آسایش و ایمنی از امور رنج‌دهنده و احراز فضیلتی است که او را به جانب خیرات و کمالاتی که به وسیله‌ی آداب پسندیده اکتساب می‌گردند می‌کشاند و هر روزی که با داشتن این موهبت بر وی می‌گذرد، بهتر از روز گذشته است» (ص ۴۹۷).

این همان سیاست و قدرت متعالی است و برعکس نیز به تأکید وی:

«ولی هرگاه سیاست از شریعت پیروی نکرد و در برابر آن عصیان ورزید، احساسات وی بر آرای کلیه و ادراکات عقلیه چیره می‌گردد و بر آن‌ها حکومت می‌کند و بالنتیجه خضوع و انقیاد شخص را نسبت به علل بعیده و اسباب عالیه عالم وجود از بین می‌برد و در عوض نسبت به علل قریبه و اسباب صوریه عالم اخلاص می‌ورزد و توجه خویش را به آنها معطوف می‌دارد» (همان).

1. Plane geometry.
2. Hard Ware.
3. Software.

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره یازدهم
- زمستان ۹۴

هندسه قدرت
متعالی؛ رویکرد
فلسفی سیاسی
دفاعی متعالی
(۴۷ تا ۶۸)

که همان هندسه‌ی سیاست، قدرت و امنیت متدانی به‌جای هندسه‌ی سیاست، قدرت و امنیت متعالی است. در این صورت «پادشاهان و زمامداران چنین می‌پندارند که نظام مملکت و بقای حکومت و نفع ملت به همین اسباب و علل بعیده عالم بستگی (ن) دارد» (همان). یعنی هندسه‌ی قدرت متعالی را برنتابیده و بلکه آن را متدانی می‌دانند. این در حالی است که:

«نمی‌دانند که اگر اقامه‌ی سنن و نوامیس و قوانین سیاسی خود را بدان‌گونه که وضع کرده‌اند، ادامه دهند و هم خویش را در جانب محسوسات و پیروی از احساسات خویش مصروف کنند و سهم و نصیب جزء اشرف (یعنی نفس متعالی) و تکمیل و تربیت (جهات تعالی) آن را به‌وسیله‌ی پیروی از شریعت در نظر نگیرند، ناگاه قیم و نگهبان و سالار عالم (یعنی خدای بزرگ) خشمگین می‌گردد و علیه آنان قیام می‌کند و مظاهر قهر و سلطان خویش را فرمان می‌دهد تا آن‌چه را از نظام عالم فاسد و تباه کرده‌اند و از جای خود تحریف نموده‌اند به محل خود بازگرداند» (همان).

با این اشاره‌ی گذرا در پی مراتب سه‌گانه‌ی و به اعتباری وجوه سه‌گانه‌ی پدیده‌ی قدرت متعالی و هندسه‌ی مراتبی یا سه‌وجهی آن را ترسیم می‌نماییم. منابع اعم از منشأ ذهنی و مبدأ عینی پدیده‌شناسی قدرت متعالی و حتی مجاری و روش‌های علم قدرت متعالی را به مقاله‌ای مستقل ارجاع داده می‌شود.

دوم) میشل فوکوی فرانسوی، پیشتاز و از چهرگان شاخص پست‌مدرنیسم که شالوده‌های مدرنیسم از جمله در زمینه‌ی قدرت را به چالش کشانیده است، از معدود متفکرین غربی بوده که پیش از همه متوجه بُعد و ساحت معنوی و متعالی انقلاب اسلامی شد و بر کارآمدی عظیم آن با تعبیر عجیب تأکید می‌نماید (رک: ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟) و به پیام و پیامدهای علمی و عملی در دیگرگونی نظریات و حتی نظام جدید جهانی با تعبیر «دمیدن روح در کالبد زمان» تصریح کرده است (رک: ایران، دمیدن روح در کالبد زمان). وی هم‌چنین به‌درستی متوجه مراتب سه‌گانه‌ی قدرت گردیده و بدان می‌پردازد. فوکو را که بعد از نیچه و تحت تأثیر و حتی تحت شعاع او می‌توان بیش‌تر فیلسوف قدرت نامید، با طرح مباحثی هم‌چون «تحلیل تعبیری قدرت» (فوکو، ۱۳۷۶، ص ۲۰۳)، «سرکوب تا قدرت مشرف بر حیات» (همان، ص ۲۳۳) و حتی «قدرت تبیین» (همان، ص ۱۶۷) و نیز «غریزه‌ی جنسی و قدرت مشرف بر حیات» (همان، ص ۲۹۱) و نیز اصطلاح «قدرت منتشر» یا «انتشار قدرت» و نیز نظریه‌ی «دانش و قدرت» اهمیت قدرت را در تمامیت آثار و در کلیت آرای خویش پی‌گرفته است. وی نخست بدان‌سان که در «قدرت و حقیقت» (همان، صص ۳۱۱-۳۱۹) بدان پرداخته است، حقیقت را ورای واقعیت ظاهری مورد توجه و تأکید قرار

می‌دهد. آن‌گاه و در نهایت در مقاله‌ی مستقل دیگری در بازپسین ایام حیات خود تحت عنوان «سوژه و قدرت» (همان، صص ۳۶۵-۳۴۳) در مقام جمع‌بندی و کاربست نهایی آرای و آثار خویش بدان‌سان که در کتاب میشل فوکو - فراسوی ساخت‌گرایی و هرمنیوتیک - نیز آن را تحت عنوان مؤخره آورده است؛ به‌درستی موارد سه‌گانه چگونگی یا واقعیت و مظاهر قدرت، چیستی یا ماهیت و مبانی قدرت و چرایی یا هستی و مبادی قدرت را از هم متمایز می‌نماید. این برخلاف و یا ورای قدرت‌متدانی و یا هندسه‌ی متدانی قدرت بوده که تنها به مظاهر قدرت توجه و تأکید دارد. به تأکید وی در بخش دوم مقاله‌ی «سوژه و قدرت» تحت عنوان «قدرت چگونه اعمال می‌شود؟» (همان، ص ۲۵۳)؛ از نظر برخی از کسان پرسش درباره‌ی «چگونگی» قدرت، آن‌ها را به صرف توصیف تأثیرات قدرت، محدود می‌سازد، بدون آن که بتوانند آن تأثیرات را به علل و یا به سرشت بنیادی (قدرت) پیوند دهند» (همان). به‌درستی از نگاه وی «چنین پرسشی» قدرت را به ماهیتی مرموز تبدیل می‌کند که مردم در طرح پرسش درباره‌ی آن تردید می‌کنند؛ زیرا آن‌ها ترجیح می‌دهند قدرت را به زیر سوال نکشند» (همان، ۴-۲۵۳). در این صورت «چنین کسانی با پیمودن چنین طریقی که هیچ‌گاه به وضوح مدلل و موجه نیست، ظاهراً به‌وجود نوعی تقدیر باور می‌آورند» (همان، ص ۲۵۴). به تأکید ایشان: «اما آیا نفس بی‌اعتمادی آن‌ها حاکی از این پیش‌فرض نیست که قدرت چیزی است که با سه کیفیت متمایز وجود پیدا می‌کند:

الف. منشأ آن (مبادی قدرت)

ب. سرشت قدرت (ماهیت قدرت) و

ج. نمودهای آن (مظاهر قدرت)» (همان).

به تصریح وی: «اگر عجبالتاً برای مساله‌ی «چگونگی»، جایگاه ممتازی قایل هستم به این دلیل نیست که می‌خواهیم مساله‌ی «چیستی» و «چرایی» را حذف کنم، بلکه می‌خواهم این مسایل را به‌شیوه‌ی دیگری عرضه بدارم» (همان). یا و بلکه «به‌سخن بهتر می‌خواهم بدانم که آیا می‌توان به‌درستی قدرتی را تصور کرد که در خود چیستی، چرایی و چگونگی را یک‌جا جمع آورد» (همان).

بدان‌سان که پدیده و پدیده‌شناسی قدرت متعالی و هندسه‌ی آن مدعی آن بوده و قادر بدانست، به‌ترتیبی که پیش‌تر بدان اشاره نمودیم، اما رابطه و نسبت این سه به‌عنوان مراتب سه‌گانه و منابع عقلی، دینی و عرفی یا عینی قدرت را آیا دریافته یا خیر؛ آن‌چه مسلم بوده این‌که علی‌رغم اهمیت بدان‌ها نپرداخته است. بدان‌سان که در حکمت متعالی به‌صورت راهبردی یعنی در سیر و ساختاری، بنیادین، (←) جامع، (+) نظام‌مند و (←) هدف‌مندی، مورد پردازش قرار گرفته‌اند و در این اثر بدان اشارتی اجمالی نموده‌ایم.

ج. جهات دو یا سه‌گانه‌ی یقینی قدرت متعالی و پنداری یا توهمی قدرت متدانی

آسمان‌ها و زمین یک سیب دان کز درخت قدرت حق شد عیان^۱
قدرت دارای جهات دو یا سه‌گانه است. یکی جهت یقینی متعالی بوده و دیگری جهت یا جهات پنداری - توهمی متدانی است. جهات دو - سه‌گانه‌ی یقینی قدرت متعالی و پنداری - توهمی قدرت متدانی یا نامتعالی اعم از غیر - ضد متعالی که عبارت‌اند از: قدرت تک‌ساحتی و قدرت تنازعی، در گفتمان حکمت قرآنی و در گفتمان حکمت مدنی متفکرین اسلامی، طرح شده و مورد تبیین قرار گرفته است. در پی اشارتی اجمالی بدین جهات هندسه و هندسی قدرت و تدانی و تعالی آن می‌گردد.

اول) گفتمان قرآنی: با طرح، تبیین و ترسیم هدایت (راهنمایی و راهبری) صراط (راه، روش و راهبر) مستقیم (متعادل و متعالی تعادل‌بخش و تعالی‌بخش) که «غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» (حمد، آیه ۷) به طرح، تبیین و ترسیم جهات دو‌گانه: یکی راهبرد و قدرت یقینی تعالی و متعالی پرداخته است؛ دیگری راهبرد و قدرت غیر و ضد یقینی اعم از: الف. غیر یقینی یعنی راهبرد و قدرت ظنی یا پنداری متدانی؛ ب. ضد یقینی یعنی راهبرد و قدرت توهمی یا تنازعی متدانی تبیین و ترسیم می‌نماید که به ترتیب از آن جهات تعبیر به مستقیم یعنی متعادل و متعالی تعادل‌بخش و تعالی‌بخش و غیر و ضد مستقیم اعم از ضلالت یا ظاهری و تک‌ساحتی و مغضوبیت یا خشم و خشونت‌طلبی و به تعبیری دیگر فاسقه یا تنازعی می‌نمایند.

قدرت نیز بسان روح سیاست هدایت و در تعبیری دیگر به مثابه ابزار سیاست هدایت و ابزار اعمال آن و یا برعکس به‌عنوان عامل ضلالت و مغضوبیت، مشمول این چنین جهات دو یا سه‌گانه یعنی قدرت یقینی، قدرت ظنی یا پنداری و قدرت توهمی تا کاذب یعنی دروغین می‌باشد. به‌همین سبب این‌ها یکی قدرت متعالی است و دیگری قدرت نامتعالی است؛ اعم از قدرت غیرمتعالی و قدرت ضد متعالی یا قدرت غیر تعالی‌بخش و قدرت ضد تعالی‌بخش‌اند. به ترتیب زیر:

الف. قدرت متدانی تک‌ساحتی و تک‌ساحتی قدرت و

ب. قدرت تنازعی و تنازع قدرت.

گستره‌های قدرت عبارت از گستره‌های فرومی، ملی داخلی و خارجی، فراملی منطقه‌ای، امتی و بین‌مللی تا جهانی قدرت می‌باشند که از حیث گستره، عموم و خصوص

۱. مولوی، مثنوی معنوی.

مطلق بوده و در هم تأثیر و تأثر متقابل دارند. می‌توان از این‌ها تعبیر به قدرت گستره‌های فروملی، ملی داخلی و خارجی، فراملی منطقه‌ای، امتی و بین‌مللی تا جهانی نیز کرد.

*** دوم) در گفتمان حکمت مدنی متفکرین به‌نام اسلامی از فارابی تا خواجه نصیر و ملاصدرا و تا حضرت امام خمینی(ره) و نیز علامه جعفری و علامه جوادی آملی و در تمامی مکاتب حکمت سیاسی مربوطه از حکمت مدنی فاضله تا حکمت عقلانی و حکمت شهودی و نیز حکمت متعالی و هم‌چنین حکمت حیات معقول علامه جعفری جهات دو یا سه‌گانه متعالی و متدانی - متنازع یا تک‌ساحتی - تنازعی سیاست و قدرت و به تعبیری سیاست و قدرت متعالی - متدانی، تک‌ساحتی - تنازعی را به‌گونه‌ای طرح می‌نمایند که می‌شود آن را ضمن و ذیل نمودار زیر ترسیم ساخت.**

برآمد

بیش‌تر احوال بر سنت رود گاه قدرت خارق سنت شود^۱

موارد سه‌گانه‌ی قدرت و هندسه‌ی آن و نیز جهات سه‌گانه‌ی قدرت و هندسه‌ی آن، از جمله قواعد اصلی هندسه‌ی قدرت می‌باشند؛ به‌ویژه مراتب سه‌گانه یا جوه سه‌گانه، از اهم ساختارهای هندسه و مهندسی قدرت متعالی است. کما این که قدرت متعالی، قدرت حقیقی، یقینی و واقعی می‌باشد. بلکه قدرت متعالی، قدرت حقیقی و یقینی بوده که بایسته است پس از تبیین علمی نظری، ترسیم علمی عملی، راهبردی و کاربردی یافته و تحقق علمی عینی، اجرایی و جاری سازی یابد. بدان‌سان که با انقلاب متعالی اسلامی و تأسیس نظام سیاسی انقلابی جمهوری متعالی اسلامی ایران، در ایران، از ایران و نمونه‌ی ایران، زمینه‌های آن فراهم گردیده است و شایسته است با ارتقای کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی علمی و عملی نیروها و نهادهای دولتی، عمومی و مردمی، هر چه فراتر، بارور و بالنده گردد. آن هم به مثابت تنها و برترین جایگزین بهینه و به‌سامان‌رسا و سازوار کارآمد؛ بهره‌ور و اثربخش هندسه‌ی متدانی قدرت متدانی است. راهبرد سیاسی و هندسه‌ی قدرتی که چشم‌انداز توسعه‌ی متعالی جمهوری اسلامی ایران و بیداری و خیزش انقلابی اسلامی و سرانجام تجدید و تأسیس تمدن نوین متعالی اسلامی را در فراز آینده‌ی خود دارد. هندسه‌ای که علم و فن پایه مهندسی، مدیریت و آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی توسعه و تمدن متعالی اسلامی به‌شمار می‌آید.

۱. مولوی، مثنوی معنوی.

منابع

۱. قرآن
۲. اخوان صفا (۱۴۰۵ق)، الرسایل، ۴ج، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. پوپر، کارل (۱۳۶۶)، جامعه باز و دشمنانش، ۳ج، ترجمه فولادوند، تهران، خوارزمی.
۴. تافلر، الوین و هایدی (۱۳۷۵)، به سوی تمدن جدید، سیاست در موج سوم، ترجمه جعفری، تهران، سیمغ، چاپ دوم.
۵. تیموتی، سیسک (۱۳۷۹)، اسلام و دموکراسی؛ دین، سیاست و قدرت در خاورمیانه، ترجمه: بهرامپور و محدثی، تهران، نی.
۶. طوسی، نصیرالدین محمد (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، به همت: مجتبی و حیدری، تهران، خوارزمی، چاپ سوم.
۷. دریفوس، هیوبرت، رابینو، پل (۱۳۷۶)، میشل فوکو؛ فراسوی ساخت‌گرایی و هرمنیوتیک، ترجمه: بشیریه، تهران، نشر نی.
۸. صدرالمتألهین (۱۳۷۵)، الشواهد الربوبیه، ترجمه و تفسیر جواد مصلح، تهران، سروش، چاپ دوم.
۹. _____ (۱۳۶۲)، مبدأ و معاد، ترجمه حسینی، بکوشش نورانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. ضیمران، محمد (۱۳۷۸)، میشل فوکو: دانش و قدرت، تهران، هرمس.
۱۱. فارابی، ابونصر محمد (بی‌تا)، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه جعفر سجادی، تهران، طهوری.
۱۲. _____ (بی‌تا)، سیاست مدنی، ترجمه جعفر سجادی، تهران، انجمن فلسفه ایران، چاپ دوم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. فوکو، میشل (۱۳۷۷)، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟، ترجمه معصومی، تهران، هرمس.
۱۴. _____ (۱۳۷۹)، ایران، روح یک جهان بی‌روح، ترجمه سرخوش و جهاندیده، تهران، نی.
۱۵. فوکو، یاما، فرانسیس (۱۳۹۳)، پایان تاریخ و انسان واپسین، ترجمه: عباس و زهره عربی، تهران، سخنکده.
۱۶. مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴)، سیاست میام ملت‌ها، ترجمه مشیرزاده، تهران، وزارت خارجه، تهران.
۱۷. نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه: روحانی و ذوالفقاری، تهران، امام صادق (ع).
۱۸. هانتینگتون، ساموئیل (۱۳۸۱)، برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۱۹. _____ (۱۳۸۸)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه: احمد شهباسا، تهران، روزنه، چاپ چهارم.